

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تخیل

راهنمای گرامر و نکات کاربردی

American English File

Upper-Intermediate

4

راهنمای گرامر و نکات کاربردی
American
English File 4

جلد چهارم

چاپ دوم : بهار ۱۳۹۳

گرد آوری و تالیف : علیرضا معتمد



TahlilGaran .org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: راهنمای گرامر و نکات کاربردی / American English File / گردآوری و تالیف علیرضا معتمد.
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ج۴: جدول : ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	: دوره ۷-۳۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج ۱: ۴-۳۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج ۲: ۱-۳۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج ۳: ۷-۴۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج ۴: ۴-۴۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸
فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر راهنمایی بر کتاب "American English file" تالیف کلایو آکسندن ... و [دیگران] می‌باشد.
یادداشت	: واژه‌نامه.
مندرجات	: ج ۱: Elementary . ج ۲: Pre-Intermediate . ج ۳: Intermediate . ج ۴: Upper-Intermediate
موضوع	: زبان انگلیسی -- راهنمای آموزشی -- فارسی‌زبانان
شناسه افزوده	: آکسندن ، کلایو
شناسه افزوده	: Oxenden , Clive
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲م / ۱۱۲۸ PE
رده بندی دیویی	: ۴۲۸/۰۰۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۱۰۸۶۶

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم،
پلاک ۱۸، واحد ۲ تلفن: ۸۰۸۰۱۲۲۳
سایت اینترنت: www.TahlilGaran.org
پست الکترونیک: info@TahlilGaran.org

انتشارات تحلیلگران

ناشر آموزش از راه دور زبان انگلیسی

نام کتاب: راهنمای گرامر و نکات کاربردی American English File – جلد چهارم

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۳

قطع رقعی: ۶۰ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۷-۳۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۴-۴۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی American English File، یکی از بهترین محصولات آموزشی انتشارات دانشگاه آکسفورد بوده که جهت آموزش زبان انگلیسی با لهجه آمریکایی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری، شیوه تلفظ صحیح و ... بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان در کنار آموزشهای آکادمیک می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید و راهنمای تلفظ لغات هر درس از امریکن انگلیش فایل می باشد که در چهار جلد ویژه هر سطح ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی امریکن انگلیش فایل مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول



فهرست مطالب :

- ۶ یادآوری جملات پرسشی با WH ✓
✓ جملات پرسشی غیر مستقیم
✓ یادآوری زمان حال کامل
✓ زمان حال کامل استمراری ✓
- ۱۴ کاربرد صفت ✓
✓ یادآوری زمان گذشته کامل
✓ زمان گذشته کامل استمراری
✓ کاربرد قید ✓
- ۲۰ جملات معلوم و مجهول ✓
✓ زمان آینده استمراری
✓ زمان آینده کامل
✓ جملات شرطی حقیقی
✓ جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول ✓
- ۲۷ جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم و سوم ✓
✓ زمان گذشته modal ها ✓
- ۳۲ کاربرد مصدر ✓
✓ کاربرد اسم مصدر
✓ کاربرد used to
✓ کاربرد be used to
✓ نقل قول مستقیم و غیر مستقیم ✓

۴۰	✓ حرف تعریف نامعین و معین ✓ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش ✓ کاربرد Quantifier ها	درس ۶.
۴۶	✓ کاربرد wish ✓ بیان هدف و نتیجه ✓ کاربرد Relative clause ها	درس ۷.
۵۲		فهرست موضوعی واژگان
۶۰		فهرست منابع و مراجع



Unit 1

Grammar

☑ یادآوری جملات پرسشی با WH :

کلمات پرسشی با WH جهت پرسیدن اطلاعات بیشتر در خصوص جمله بکار می روند. عمده ترین کلمات پرسشی عبارتند از:

Who به معنی چه کسی :

Who is your boss?

When به معنی چه وقت :

When did she call?

What به معنی چه چیز یا چه کس :

What's your name?

Why به معنی چرا :

Why are we waiting?

Where به معنی کجا :

Where does he live?

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت فاعل قرار گیرند، کفایت جای فاعل را با آن عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

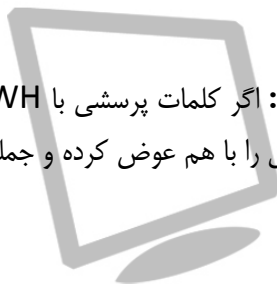
Julie lives here.

► Who lives here?

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت غیر فاعل قرار گیرند، کفایت جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

I called my sister.

► Who did you call?



Jim was talking to his brother-in-law.

► **Who** was Jim talking to?

I saw Ali yesterday.

► **When** did you see Ali?

☑ جملات پرسشی غیر مستقیم :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، عبارتهای اسمی یا Noun Clauses مجموعه ای از کلمات مرتبط با هم از قبیل فعل، فاعل و مفعول بوده که بعنوان اسم در جملات ظاهر می شوند. مثال:

I don't know **who the author is**.

برای اتصال جملات پرسشی **yes/no** به جملاتی از قبیل **I don't know**, **Do you know**, **Could you tell me** و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:
۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر شروع می کنیم:

I don't know

I wonder

I'd like to know

Do you know

Could you tell me

Would you mind tell me

۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا توسط **if** یا **whether** به جمله مورد نظر متصل می کنیم.

مثال :

Is it any good book here?

► I don't know **if it's any good book here**.

Did he like the novel?

► I wonder **whether he liked the novel.**

توجه: برای ارتباط جملات پرسشی با WH نیز مشابه قسمت قبل عمل کرده ولی بجای if یا whether از همان کلمه پرسشی WH استفاده می کنیم. مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about.**

☑ یادآوری زمان حال کامل :

به عبارت (علی به مدرسه رفته است) توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تا کنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد. ساختار جملات حال کامل بصورت زیر می باشد:

قسمت سوم فعل + have / has + فاعل

مثال :

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد (حال ساده)

He has learned English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (حال کامل)

توجه : در انتهای جملات حال کامل معمولا از for به معنی (برای مدت ...) یا since به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال :

She has lived in Iran **since** 1380.

She has lived in Iran **for** two years.

توجه : کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد. مثال:

I haven't gone there.
من به آنجا نرفته ام

☑ قسمت سوم فعل (اسم مفعول) :

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده بصورت زیر است:

have ▶ had	go ▶ gone	see ▶ seen
begin ▶ begun	sing ▶ sung	do ▶ done
take ▶ taken	draw ▶ drawn	
choose ▶ chosen	forget ▶ forgotten	

☑ کاربرد for, since, yet, just :

همانطور که در مثالهای قبل دیدیم، انتهای جملات حال کامل معمولاً از **for** به معنی (برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ...، تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال:

I've worked here **for** six years.
We've lived in this house **since** 1995.

yet به معنی (هنوز) در جملات منفی یا پرسشی و **just** به معنی (چند لحظه قبل) در جملات مثبت و **already** به معنی (پیش از این) در جملات مثبت نیز می تواند بکار رود. مثال:

Have you had breakfast **yet**?

No, not **yet**.

I haven't had a shower **yet**.

I've **just** made some coffee.

They've **just** got up.

They've **already** gone to work.

توجه : همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have**، **has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولاً در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.

توجه : گاهی از **before** به معنی (قبلاً) در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

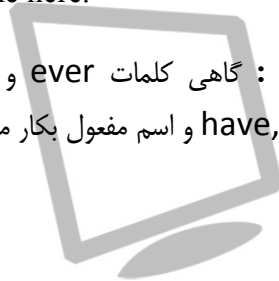
توجه : در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.

توجه : گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have**، **has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?

No, I have **never** seen it.



☑ زمان حال کامل استمراری :

زمان حال کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی از گذشته آغاز گشته و تا کنون بصورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان حال کامل استمراری بصورت زیر می باشد:

قید زمان + for + ing + فعل + have/has + been + فاعل

مثال:

I have been learning English for a long time.

برای مدت طولانی به آموختن زبان انگلیسی پرداختم و تا کنون نیز ادامه دارد.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

I haven't been learning English for a long time.

Has she been learning English for a long time?

توجه : همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند. افعال غیر حرکتی یا **state verbs** افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.



📖 Vocabulary

embarrassing adj
 eyebrows n
 funeral n
 giggle v
 have a date v
 raise v
 scorecard n
 small talk n
 tag n
 trust v
 agony n
 amused adj
 awkward adj
 banker n
 bubbly adj
 chat v
 complex n
 complicated adj
 courtship n
 deafening adj
 double v
 egotistical adj
 eliminate v
 event n
 evolve v
 exchange v
 farewell n
 frenzied adj
 grimace n
 guilty adj
 imaginative adj
 impression n
 inferiority n
 management consultant n
 maniac n
 match n
 overuse v
 participants n
 possession n

judge v
 legible adj
 low adj
 major adj
 method n
 overcome v
 paranormal adj
 persona n
 powerful adj
 preferably adv
 prominent adj
 represent v
 satisfied adj
 scar n
 self-esteem n
 skeptical adj
 stable adj
 statement n
 strategy n
 surgery n
 temporary adj
 tempted adj
 tend v
 tendency n
 tricks of the trade idm
 unsociable adj
 breathe v
 cells n
 choke v
 damage v
 long-term adj
 panic v
 sting v
 strengthen v
 stuck adj
 swallow v
 achievement n
 Alzheimer's n
 anti-aging adj

pre-prepared adj
 propose v
 prospective adj
 publish v
 quick-fire adj
 ritual n
 shift n
 smoothly adv
 solo adj
 speed dating n
 treasured adj
 tricks n
 unknown adj
 unmarried adj
 watchful adj
 childhood n
 deduce v
 handwriting n
 illegible adj
 initials n
 psychic n
 secretive adj
 sign v
 signature n
 trick n
 ability n
 all-time adj
 angle n
 companion n
 confirm v
 conflict n
 considerate adj
 creative adj
 descending adj
 dyslexic adj
 faced (with) idm
 graphology n
 horizontal adj
 identify v
 imply v
 impressive adj

antiseptic cream n
 appointment n
 arthritis n
 bee n
 beneficial adj
 cherry tomato n
 chronic adj
 consciousness n
 couch n
 deadline n
 disease n
 gradually adv
 harmful adj
 hug n
 infection n
 inward adv
 maneuver n
 manual n
 mechanism n
 member n
 moderate adj
 nosebleed n
 patient n
 pinch v
 pressure n
 process n
 protein n
 puppy n
 reaction n
 redecorate
 response n
 rush v
 self-repair adj
 short-term adj
 switch v
 treat (badly) v



Unit 2

Grammar

☑ کاربرد صفت :

همانگونه که می دانید، صفت در زبان انگلیسی ماقبل اسم قرار گرفته و حالت و چگونگی آنرا بیان می کند. اگر اسم دارای چندین صفت در جمله باشد، از الگوی زیر در چیدمان آن استفاده می کنیم:

اسم + صفت جنس + صفت رنگ + صفت اندازه + صفت کیفیت

مثال :

a smart new woollen jacket

a pair of expensive black designer jeans

some big round bright red sunglasses

some comfortable large white cotton T-shirt

some nice wide-fitting brown leather walking shoes

☑ یادآوری زمان گذشته کامل :

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، بیانگر عملی است که در گذشته دور (قبل از عمل دیگری در گذشته) کامل شده باشد. معمولاً این زمان همراه با یک جمله کوتاه گذشته ساده همراه است.

ساختار زمان گذشته کامل بصورت زیر می باشد:

(جمله کوتاه گذشته ساده + کلمه ربط) + اسم مفعول + had + فاعل

مثال:

I had arrived when you called.

وقتی تماس گرفتی، رسیده بودم.

در زمان گذشته کامل، **had** فعلی کمکی می باشد. لذا برای سوالی نمودن جمله می بایست **had** را به ابتدای جمله آورده و همچنین در ترکیبهای منفی، **not** را به **had** اضافه می کنیم. مثال:

I **hadn't** seen the movie when it came out on DVD.

Had the film finished when you went there?

توجه: قیدهای زمان زیر معمولا در قسمت گذشته ساده بکار می روند:
when (هنگامیکه) , before (قبل از اینکه) , by (تا)

مثال:

By 2001, she had already met her husband.

I had already seen the movie **when** it came out on DVD.

I had learned to speak Greek **before** I graduated.

توجه: قیدهای زمان زیر معمولا در قسمت گذشته کامل بکار می روند:
after (بعد از اینکه) , as soon as (به محض اینکه)

مثال:

I became a good driver **after** I had finished my work.

I became a good driver **as soon as** I had graduated.

توجه: معمولا کلمه **already** به معنی **(قبلا)** پس از **had** و قبل از اسم مفعول بکار می رود. مثال:

I hadn't **already** seen them.

توجه: گاهی در مکالمه های غیر رسمی بجای زمان گذشته کامل، از گذشته ساده نیز استفاده می شود. مثال:

Before I graduated, I learned to speak Chinese.

☑ زمان گذشته کامل استمراری :

زمان گذشته کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان گذشته آغاز گشته و تا زمان بخصوصی از گذشته بصورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان گذشته کامل استمراری بصورت زیر می باشد:

زمان + before/when + ing + فعل + had been + فاعل

مثال:

He had been travelling around England when I got a call from home.

I had been Watching TV when you came.

☑ کاربرد قید :

همانگونه که می دانید قید در جملات برای بیان چگونگی فعل استفاده می شود. مثال :

You speak English **well**.

قیدها به پنج دسته مهم زیر تقسیم می شوند:

۱ - قید حالت ۲- قید مکان ۳- قید زمان ۴- قید تکرار ۵- قید مقدار

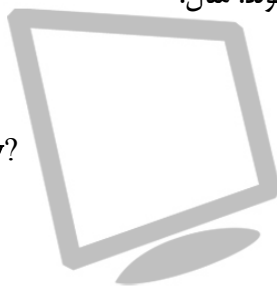
قید تکرار همواره قبل از فعل اصلی و پس از فعل کمکی در جملات قرار می گیرد. همچنین قیدهایی نظیر **finally, recently** می توانند ابتدا و انتهای جملات نیز ذکر شوند. مثال:

I **usually** play tennis with Jenny.

She's **always** tired in the evening.

Finally we arrived home.

Have you seen any good films **recently**?



قید حالت، معمولا در انتهای جمله قرار می گیرد. مثال:

He spoke **quickly**.

They left the room **quietly**.

He worked **hard**.

قید مقدار، معمولا قبل از صفت یا قید حالت و گاهی قبل از فعل اصلی جمله قرار می گیرد. مثال:

I don't **quite** understand this exercise.

Be careful! You **almost** broke the window.

We didn't do **much** today.



📌 Vocabulary

(in a) row n
 (no) regard (for) n
 abort v
 accelerate v
 achieve v
 afford v
 air traffic controllers n
 airline n
 aisle n
 alike adj
 anecdote n
 anonymous adj
 anthropologist n
 anxiously adv
 apart adv
 applaud v
 babbling adj
 be about to v
 beg v
 beige adj
 blocks n
 bomb n
 bounce v
 burst out laughing v
 button n
 cabin n
 category n
 ceremonial adj
 chaos n
 characteristics n
 cling v
 confrontation n
 consequence n
 conspicuous adj
 convention n
 cope v
 copilot n
 costume n
 courtesy n

lap n
 lifeless adj
 limp adj
 linked adj
 lively adj
 luggage n
 macabre adj
 martial arts adj
 materialistic adj
 miracle n
 multiethnic adj
 navigation n
 notorious adj
 on board adj
 outrageous adj
 packages n
 pat v
 place v
 pleasure n
 policy n
 poodle n
 porter n
 reclaim v
 recover v
 reputation n
 revenge n
 romance n
 scoop v
 scream v
 seat belt n
 servant n
 shortage n
 simulator n
 simultaneous adj
 siren n
 slightly adv
 snacks n
 snore v
 spanking n



crack n
 crew n
 crucial adj
 customs n
 declare v
 delay n
 demand v
 departures n
 distinctly adv
 down-to-earth adj
 dysfunctional adj
 elderly adj
 establish v
 exit n
 extremely adv
 flattering adj
 force v
 frantic adj
 fumes n
 generalize v
 generation gap n
 grab v
 Gypsy n
 hard adv
 hardly adv
 hardworking adj
 high-class adj
 hose n
 housekeeper n
 howl v
 imitate v
 immediately adv
 imposing adj
 inability n
 inaccurate adj
 incapable adj
 increasingly adv
 incredibly adv
 individualist n
 innovative adj
 insect n
 intentions n

specific adj
 spin v
 sprint v
 stack v
 stagger v
 stereotype n
 street fashion n
 surface n
 survey n
 survive v
 swan n
 swat v
 sword n
 take (yourself) seriously v
 tear v
 terminals n
 threaten v
 thunderstorms n
 toddle v
 tolerant adj
 tottering
 transatlantic adj
 transfer v
 transport v
 tremble v
 tribe n
 trip over v
 turbulence n
 type v
 unbelievably adv
 unwillingness n
 vampire n
 vice versa adv
 wad v
 wagon n
 warning n
 weakness n
 wheelchair n
 windshield n
 worth adj
 wrap up v
 wrinkle v

Unit 3

Grammar

☑ جملات معلوم و مجهول :

به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری را به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر می گردد، جمله معلوم گفته می شود. به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند. به جملات زیر توجه نمایید :

Ali sees me.

علی من را می بیند. (جمله معلوم)

I am seen.

من دیده می شوم. (جمله مجهول)

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده ، سپس فاعل را حذف نموده و فعل اصلی جمله را به صورت اسم مفعول آن به همراه زمان مناسب to be ذکر می کنیم.

☑ ساختار جملات مجهول حال ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول

مثال:

The police arrest criminals.

► Criminals are arrested.

☑ ساختار جملات مجهول حال استمراری:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + being + am/is/are + مفعول

مثال:

The police are arresting the murderer.

▶ The murderer is being arrested.

☑ ساختار جملات مجهول حال کامل :

(فاعل + **by**) ... + اسم مفعول + **been** + **have/has** + مفعول

مثال:

The police have arrested the burglars.

▶ The burglars have been arrested.

☑ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

(فاعل + **by**) ... + اسم مفعول + **was/were** + مفعول

مثال:

The police arrested the criminals.

▶ The criminals were arrested.

☑ زمان آینده استمراری :

زمان آینده استمراری، بیانگر عملی است که در زمان آینده بصورت استمرار درحال انجام باشد. ساختار زمان آینده استمراری بصورت زیر می باشد:

ing + فعل + **will be** + فاعل

مثال:

This time tomorrow I will be lying on the beach.

فردا این موقع، درحال دراز کشیدن در ساحل خواهیم بود.

You will be flying to Australia soon.

بزودی درحال پرواز به استرالیا خواهید بود.

☑ زمان آینده کامل :

زمان آینده کامل، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی آغاز گشته و در زمان مشخصی از آینده کامل می شود. به عبارت دیگر در زمان آینده کامل، فعل قبل از کار دیگری که در آینده انجام می شود، تمام شده فرض می گردد. ساختار زمان آینده کامل بصورت زیر می باشد:

قید زمان + **by/till** + اسم مفعول + **will have** + فاعل

مثال:

I will have finished work by six o'clock.

من تا ساعت شش، کار را تمام کرده ام.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

I **won't** have finished work by six o'clock.

Will you have finished work by six o'clock?

توجه: جملات زمان آینده کامل معمولاً به کلماتی از قبیل **by, till** به همراه قید زمان ختم می شوند. مثال:

I will have retired **by** the year 2020.

I won't have retired **till** the year 2020.

☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت **if-clause** (شرط) و **main-clause** (پاسخ شرط) تشکیل می گردند.

به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (**if clause**) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (**main clause**) خواهد بود.

☑ جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید) جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود.

مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

If I eat too much, I gain weight.

توجه: برای بیان نصیحت یا توصیه دادن در خصوص امری، می توان از جملات امری و یا جملاتی که با **should** در زمان حال ساده آغاز شده باشند در قسمت پاسخ شرط، استفاده نمود. مثال:

If there's an accident, call the police.

If the road is flooded, don't try to drive.

If you cycle on a busy road, you should wear a helmet.

If you see a bear, you shouldn't run after it.

If there's a fire, what should we do?

☑ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

☑ جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده if

مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار برد:

جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده

مثال :

He will pass the exam if he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

I'll finish the homework this afternoon if I have time.

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم



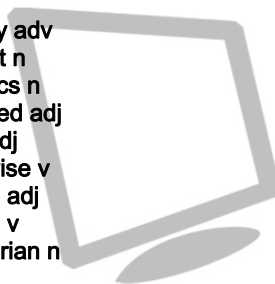
📌 Vocabulary

antiques n
 burglar alarm n
 humiliation n
 in a trance idm
 interrogate v
 justice n
 kitten n
 magician n
 tough adj
 victim n
 abandon v
 anthem n
 approach v
 attribute v
 bark v
 beat v
 belongings n
 bother n
 brand n
 cashier n
 chronological adj
 clarify v
 clerk n
 courtroom n
 cramped adj
 custody n
 detail n
 dispute v
 duty n
 fulfil v
 graffiti n
 hypnotic adj
 incessantly adv
 infect v
 inspired adj
 jail n
 loaded adj
 morgue n
 offender n

footprints n
 glaciers n
 habitable adj
 high-budget adj
 household n
 hybrid adj
 ice-cold adj
 impassable adj
 lifestyle n
 lightbulb n
 looters n
 low-lying adj
 mess n
 overflow v
 perverse adj
 polar adj
 rising v
 routes n
 slush n
 soil n
 solar adj
 species n
 standby n
 stuck adj
 thaw v
 tsunami n
 unbearably adv
 visualize v
 wade v
 according to prep
 catastrophe n
 drown v
 hazard n
 instead adv
 playground n
 scare v
 sue v
 threat n
 whereas conj

pickpocket n
 presidency n
 prestigious adj
 reoffend v
 ruling n
 serve v
 shoplifter n
 skilfully adv
 speeding n
 subway station n
 supply v
 teller n
 tires n
 trance n
 valuables n
 virus n
 warn v
 woods n
 canal n
 chaos n
 climate change n
 CO2 emissions n
 crazy adj
 fan n
 organic (food) adj
 recycle v
 sea level n
 trash can n
 absorb v
 air-conditioning n
 appliances n
 block v
 bridesmaid n
 bulletins n
 coastal adj
 combat v
 compensate v
 dilemma n
 displace v
 epic adj
 equipped adj
 extinct adj

assess v
 baby carriages n
 cautious adj
 cholesterol n
 consultant n
 dozens n
 dread n
 element n
 equation n
 external adj
 factor n
 fatal adj
 fatty adj
 first aid kit n
 first-time adj
 freeways n
 guaranteed adj
 hairdryer n
 headlights n
 inflatable adj
 jogger n
 mounted adj
 myth n
 nonfatal adj
 outrage n
 overreact v
 pedestrian n
 potentially adj
 priority n
 rare adj
 reduce v
 resort n
 risk n
 roughly adv
 sandpit n
 statistics n
 sterilized adj
 strict adj
 supervise v
 unique adj
 unplug v
 vegetarian n



Unit 4

Grammar

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده if

مثال :

If I spoke Chinese, I would apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

If her parents knew about her tattoo, they would be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

توجه : در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای was معمولا از were

استفاده می شود. مثال:

If I **were** you, I wouldn't go there.

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

If he **were** rich, he could help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.

توجه: عبارتهای whether or not, even if, as long as, unless,

as soon as می توانند بجای if در قسمت شرط بکار روند.

مثال:

I'll buy the camera **as long as** it's cheap.
 I won't buy the camera **unless** it's cheap.
 We'll buy a car **as soon as** we've saved enough money.
 I wouldn't take the job, **whether** it was well-paid **or not**.
Even if Ramsey begged me for a job, I wouldn't employ him!

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم:

جملات شرطی نوع سوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط فقط در زمان گذشته امکان انجام داشته ولی انجام نگرفته باشد. (مثلا اگر چینی صحبت کرده بودم.... یا اگر خانواده اش دانسته بودند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع سوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ آینده کامل در گذشته , جمله شرط گذشته کامل if

مثال :

If I had had a cell phone, I could have called you.
 اگر یک گوشی موبایل داشته بودم، می توانستم با تو تماس بگیرم.
She wouldn't have been late if she had checked the map.
 او دیر نمی کرد اگر نقشه را چک کرده بود.



☑ زمان گذشته modal ها :

ساختار گذشته modal ها بصورت زیر می باشد:

اسم مفعول + have + modals

از حالت گذشته **should** برای بیان عملی استفاده می شود که در گذشته باید انجام می گرفته ولی انجام نشده است، مثال:

I **should have** studied medicine.
She **shouldn't have** divorced Ali.

حالت گذشته **must, will** بصورت فوق برای بیان استنتاج و نتیجه گیری از انجام عملی در گذشته بکار می رود. مثال:

The heating was working so they **will have** been cold.
There's no food in the fridge – she **must have** eaten it all.

حالت گذشته **may, might, could** معمولا برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام عملی در گذشته از نظر گوینده محتمل باشد. مثال:

Someone phoned you earlier, it **might have** been Jim but I'm not sure.
She's very late. She **may have** broken down.
I don't know where he is, he **could have** gone for lunch.

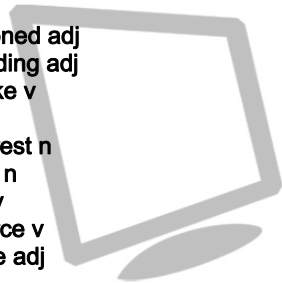
توجه: عبارتهای **can't have, won't have** معمولا برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام عملی در گذشته از نظر گوینده غیر محتمل و بعید باشد. مثال:

Mark **can't have** gone to Benenden- It's a girls' school.
It's only 5 o'clock. They **won't have** arrived home yet.

📖 Vocabulary

admit v
 agreement n
 applause n
 apply v
 approximations n
 backpacking n
 behavior n
 bitter adj
 blankly adv
 blindfold n
 body language n
 braces n
 branch n
 buzz v
 cabbage n
 campaign n
 canoe n
 canyon n
 catch fire v
 chimp n
 chop v
 clasp v
 collide with v
 collision n
 command n
 complain v
 constructive adj
 crisis n
 defensiveness n
 deliberate adj
 dense adj
 dental adj
 diagram n
 distant adj
 doubt v
 downriver adv
 drill n
 ear lobes n
 edition n

ignore v
 incompatible adj
 index adj
 indicate v
 irritated adj
 issues n
 jaguar n
 jungle n
 lethal adj
 license n
 lifetime n
 lobby n
 lock n
 lock v
 lose your temper idm
 lovable adj
 marble adj
 markings n
 massacre v
 mat n
 mediate v
 metallic adj
 mosquito n
 nag v
 nervousness n
 obstruct v
 occur v
 openness n
 paralyzed adj
 pile v
 positioned adj
 protruding adj
 provoke v
 raft n
 rainforest n
 rapids n
 react v
 reinforce v
 remote adj



elevator n
embarrassment n
entire adj
evacuation n
exaggerate v
explosion n
extended adj
fairly adv
fidget v
fire v
flashlight n
flip v
float v
foreground n
foul n
fuel v
gesture n
habits n
hide v
hike v
hole n
honesty n
hunter n
hysterical adj

repellent n
reward v
rough adj
rub v
scenario n
shake v
skateboard v
smooth adj
sour adj
spirits n
spray n
starving adj
strike v
stroke v
superiority n
survivor n
sweep away v
tap v
technique n
temper n
tense adj
texture n
trail n
tuck v
unthinkable adj
vast adj



Unit 5

Grammar

☑ کاربرد مصدر :

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل **صورت اولیه فعل + to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با **to** یا **Infinitive with to** می گویند. در مثال زیر **to go** مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات بکار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص. (مانند **want** در مثال قبل)
 پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فصل دوم بصورت مصدر (با **to**) بکار برده می شود، عبارتند از:

want, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need, plan, seem, wish, would like

توجه : در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.

☑ کاربرد اسم مصدر :

اسم مصدر یا Gerund با افزودن **ing** به انتهای فعل ساخته می شود. مانند **painting** (به معنی نقاشی)

اسم مصدر بصورت اسم در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

She enjoys **painting**.

They discussed **going** on vacation.

توجه : پس از افعال زیر اسم مصدر بکار می رود:

enjoy, feel, like, mind, practice, quit, suggest, would you mind, can't help, can't stand, to be used to

مثال:

I enjoy **watching** TV.

توجه : پس از حروف اضافه، فعل بصورت اسم مصدر بکار می رود. مثال:

Thanks for **asking**.

☑ کاربرد **used to** :

used to به معنی (**عادت داشتن به ...**) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته بکار می رود. (که در زمان حال ترک شده باشد) مثال:

I **used to** drink too much coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

از آنجائیکه **used to** بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی **did** می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

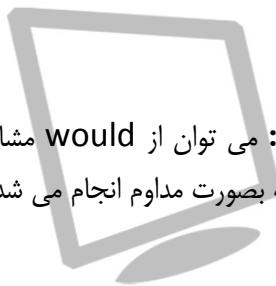
I **didn't use to** eat coffee.

Did he **use to** avoid sweet?

No, he **didn't**.

توجه: می توان از **would** مشابه **used to** جهت بیان انجام کاری که در زمان گذشته بصورت مداوم انجام می شده، نیز استفاده نمود.

مثال:



Whenever Richard was angry, he **would** walk out of the room.
She **would** cycle to school.

توجه: می توان از زمان گذشته ساده نیز جهت بیان انجام کاری که در زمان گذشته بصورت مداوم انجام می شده، مشابه **used to** استفاده نمود.

مثال:

She **walked** 5kms every day.
We **lived** in Italy.

☑ کاربرد **be used to** :

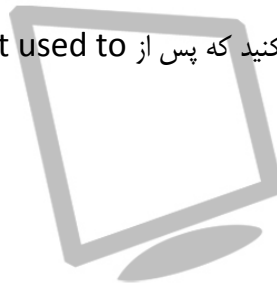
همانطور که دیدیم، **used to** به معنی (**عادت داشتن به ...**) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته بکار می رود. (که در زمان حال ترک شده باشد) از **be/get used to** برای بیان مواردی استفاده می شود که گوینده در حال حاضر با آن آشنایی دارد یا اموری که برای وی روتین شده باشد.

مثال:

Ali **isn't used to** spicy food.
I **am used to** the weather in this country.

They **aren't used to** driving on the right.
She **got used to** driving on the left.

توجه کنید که پس از **be/get used to** فعل همراه با **-ing** ذکر می گردد.



☑ نقل قول غیر مستقیم :

در نقل قول غیر مستقیم، جملات شخص غایب را با اندکی تغییر و با حفظ مفهوم آن بیان می کنیم. به جمله علی گفت: "من به مدرسه می روم." توجه نمایید. در نقل قول غیر مستقیم جمله فوق بصورت علی گفت که او به مدرسه رفت. نوشته می شود، مثال:

Ali said that he went to school.

توجه : برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم بصورت زیر عمل می کنیم:

۱ - علامت (r) را حذف نموده و بجای آن از رابط that استفاده می کنیم.

۲ - علامت (" ") را از جمله حذف می کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می بریم.

۴ - در ضمایر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They

۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that

these ► those

here ► there

now ► then

ago ► before

today ► that day

yesterday ► the day before

tomorrow ► the next day



They said, "The weather is awful."

► They said that the weather was awful.

Dan said, "We all had the flu."

► Dan said that they had all had the flu.

She said, "Margaret has been to China."

► She said that Margaret had been to China.

توجه: برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با to) + مفعول + said/told/asked + فاعل

مثال:

He said, "Read the book."

► He asked me to read the book.

She told Dan, "Call me tomorrow."

► She told Dan to call her the next day.

توجه: برای تبدیل جملات پرسشی از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم، نخست جمله را با عبارت **asked** + **فاعل** آغاز نموده و جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج کرده و آنرا با همان کلمه پرسشی، به جمله مورد نظر متصل می کنیم. مثال:

She said, "Why are you looking for a new job?"

► She asked him why he was looking for a new job.

توجه: برای تبدیل جملات پرسشی **yes/no** از نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم، مشابه مورد قبل عمل نموده و بجای کلمه پرسشی از **if** یا **whether** استفاده می نماییم.

مثال:

They said, "Can you speak any foreign languages?"

► They asked her if she could speak any foreign languages.

توجه: در تبدیل جملات پرسشی از نقل قول مستقیم به غیر مستقیم، می توان از عبارتهای زیر بجای فعل **ask** نیز استفاده نمود:

I didn't realized ...

I didn't find out ...

I didn't know ...

I didn't notice ...

I wondered ...

مثال:

I didn't find out why the interview was cancelled.

She didn't know how to make small talk.

توجه: اگر جمله نقل قول مستقیم درخصوص یک رویداد علمی و یا حقیقت انکار نشدنی باشد، هنگام نوشتن جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر زمان نخواهیم داشت.

مثال:

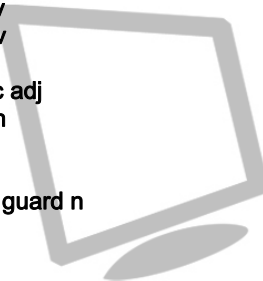
They said that English is an international language.



📌 Vocabulary

(high-) pitched adj
 (to some) extent n
 above-average adj
 accept v
 accuse v
 admire v
 advise v
 affect v
 apologize v
 apparent adj
 artificially adv
 asleep adj
 assure v
 awake adj
 behavioral adj
 blame v
 blankets n
 bound to adj
 brief adj
 catastrophic adj
 celebrity n
 chorus n
 clues n
 coach n
 comforter n
 commit suicide v
 compared with adj
 complex adj
 constant adj
 consume n
 contribute v
 conventional adj
 convey v
 convince v
 crane n
 crawl v
 curious adj
 daylight n
 debate v

jet-lagged adj
 judgment n
 lack (of) n
 ladder n
 lecture n
 make a living v
 mask v
 melody n
 misspelling n
 negotiator n
 nightmare n
 nuclear adj
 odd adj
 oversleep v
 owing adj
 partly adj
 passerby n
 perform v
 performance n
 persuade v
 pillow n
 plug in v
 rebellious adj
 recognition n
 recurring adj
 reflective adj
 refuse v
 regarding prep
 remarkably adv
 remind v
 restore v
 reveal v
 rhythmic adj
 routine n
 scene n
 score n
 security guard n
 shed n
 shoot v



debt n
deprivation n
deprived adj
determine v
discipline n
doorstep n
downside n
energetic adj
exploit v
express v
exquisite adj
fancy adj
fire department n
folk music n
function v
funk n
gansta rap n
genres n
gossip n
habitually adv
harness n
hip-hop n
impair v
implications n
impulsively adv
incident n
insist v
insomnia n
intellectual adj
intense adj
intensify v

siesta n
site n
sleepwalk v
sophisticated adj
soul music n
spectacular adj
spokesperson n
stay in touch v
sudoku n
suggest v
summit n
symphony n
talent n
tempo n
tempt v
tend to v
thrilling adj
tools n
unpredictability n
upbeat adj
values n
visually adv
zone n



Unit 6

Grammar

☑ حرف تعریف نامعین :

به a و an که ماقبل اسامی قابل شمارش مفرد بکار برده می شوند، حروف تعریف نامعین گفته می شود. حرف تعریف نامعین به معنی (ی) در جملات بکار می رود. مانند
a book (کتابی)

حرف تعریف an قبل از اسامی مفرد که با حروف صدا دار (a, e, i, o, u) و همچنین h نا ملفوظ) آغاز شده باشند بکار می رود. مثال:

an actress, **an** English singer

حرف تعریف a قبل از اسامی مفرد که با حروف بیصدا آغاز شده باشد، بکار می رود.
مثال:

a dentist, **a** Spanish actor

☑ حرف تعریف معین :

the حرف تعریف معین بوده و ماقبل اسامی که برای مخاطب مشخص باشد بکار می رود. حرف تعریف the قبل از اسامی مفرد و جمع می تواند بکار برده شود. مثال:

The window (همان پنجره (که می شناسی)

a window ای پنجره

حرف تعریف معین the در موارد زیر بکار می رود:

۱ - قبل از اسامی رشته کوه ها، رودخانه ها، اقیانوس ها، دریاها، مجموعه جزایر، بیابان و...

۲ - قبل از اسامی روزنامه ها، شرکتهای دولتی و ملی، پست سازمانی و ...

۳ - قبل از نام کشورهایی که ترکیبی از چند لغت باشند.

۴ - قبل از اسامی ترتیبی مانند اول، دوم و ...

۵ - قبل از صفات عالی

۶ - قبل از اسامی منحصر به فرد مانند ماه، خورشید، زمین و ...

مثال:

the Andes, the River Seine, in the Middle East

The New York Time, The United Nation, The managing
director

The United Kingdom

The first of March

The best

The moon, The North Pole

توجه: بنابراین حرف تعریف معین در مواردی از قبیل اسامی خاص، کوه های منفرد، مناطق، کشورها، جزیره های منفرد، شهر و دریاچه و .. بکار نمی رود. مثال:

She lives in Western Australia.

They climbed Mount Everest.

France is in Europe.

President Obama

☑ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش :

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب ، میز و ...

اسم جمع این اسامی با S (و یا es) همراه می باشد. مانند: books , tables

اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک،

حبوبات و ... اسامی غیر شمارشی بصورت مفرد در جمله ظاهر می شوند و هنگامی که

بخواهیم اسامی غیر شمارشی را بصورت جمع در جمله بکار ببریم از عبارتهایی نظیر

قطعه ، لیوان ، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم. مثال :

two glasses of water دو لیوان آب

two kilos of rice دو کیلو برنج

سه تکه نان three pieces of bread

برخی از اسامی غیر قابل شمارشی عبارتند از:

abstract ideas: health, advice, help, luck, fun

sports and activities: tennis, swimming, golf, basketball

illnesses: cancer, AIDS, diabetes, dengue

natural events: rain, snow, wind, light, darkness

academic subjects: English, Chemistry, Art, Mathematics

foods: rice, milk, sugar, fat

توجه: فعل اسامی غیر قابل شمارشی، بصورت مفرد در جملات بکار می رود. مثال:

Fat **isn't** good for you.

چربی برای شما خوب نیست.

Mathematics **is** my favorite subject.

ریاضیات موضوع مورد علاقه من است.

توجه: ماقبل اسامی غیر قابل شمارش از a, an استفاده نمی شود. ولی می توان از

the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می شود استفاده نمود. مانند: **the water**

☑ کاربرد Quantifier ها :

quantifiers (لغاتی که بیانگر کمیت و تعداد می باشند) به کلماتی اطلاق می شود

که قبل از اسم (شمارشی یا غیر شمارشی) آمده و کمیت آنرا مشخص می کند.

پرکاربردترین quantifier ها عبارتند از:

all(100%)

most(90%)

a lot of(80%)

lots of(80%)

many(80%)

much(80%)

some(70%)

any(70%)

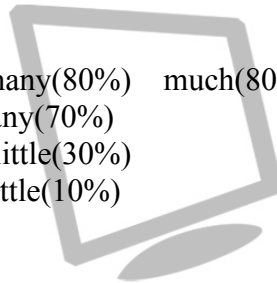
a few(30%)

a little(30%)

few(10%)

little(10%)

none(0%)



توجه: some به معنی **چندتایی و مقداری** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

I've got **some** oranges.

I've got **some** water.

توجه: از آنجاییکه some تنها در جملات مثبت بکار می رود، بجای آن در جملات منفی و سوالی از any استفاده می شود. مثال:

I haven't got **any** apples.

Have you got **any** bread?

توجه: همانگونه که ذکر شد، some و any ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و همچنین اسامی قابل شمارش جمع بکار برده می شوند.

توجه: much به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **much** water is there?

There isn't **much** water.

توجه: many به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

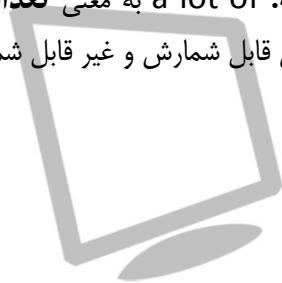
How **many** oranges are there?

There aren't **many** eggs.

توجه: a lot of به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای much و many ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش و در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.

There is **a lot of** water.



📌 Vocabulary

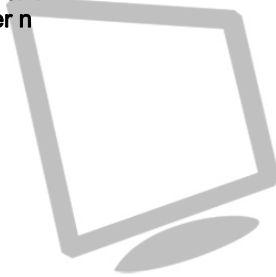
ancient adj
 astronaut n
 beforehand adv
 global adj
 mankind n
 punctual adj
 quote n
 spacecraft n
 speech n
 vindicate v
 aeronautical adj
 analysis n
 appropriate adj
 auditorium n
 autograph n
 barber n
 boundary n
 broadcast v
 capsule n
 civil rights n
 comics n
 decade n
 delete v
 descend v
 distracting adj
 equally adv
 equipment n
 halfway adv
 humanity n
 ideologically adv
 improvise v
 inaudible adj
 lawsuit n
 leap n
 lunar adj
 memorable adj
 momentous adj
 NASA n
 navy n

sidewalk n
 sights n
 sightseeing n
 society n
 tolerate v
 venue n
 bizarre adj
 blind adj
 desert n
 genius n
 illusion n
 lens n
 search n, v
 substance n
 toxic adj
 vanish v
 aboard adv
 ashes n
 atom n
 biologist n
 biology n
 blind spot n
 blue-eyed adj
 carriage n
 chemicals n
 chemist n
 chlorine n
 clinical adj
 comet n
 craters n
 cyanide n
 darkened adj
 deadly adj
 develop v
 digit n
 displace v
 element n
 genes n
 geneticist n



obey v
 profusely adv
 projector n
 slides n
 sphere n
 stroll v
 adolescent n
 ashamed adj
 convenience n
 (happy/sad) ending n
 explore v
 ocean n
 share v
 simple adj
 sunset n
 the vast majority n
 accommodation n
 bargain v
 board n
 community n
 congestion n
 customs n
 drinkable adj
 faith n
 grocery store n
 homelessness n
 isolation n
 landmark n
 period n
 pleasantly adv
 reject v
 renew v
 rent v

gorilla n
 grant v
 guinea pig n
 honor n
 invertebrates n
 lead n
 leukemia n
 mercury n
 miraculously adv
 notion n
 oxygen n
 pharmaceutical adj
 phosphorus n
 physicist n
 physics n
 protective adj
 radiation n
 radioactive adj
 scatter v
 science n
 scientific adj
 scientist n
 sickness n
 spectrum n
 stick v
 structure n
 surrounded adj
 theory n
 therapeutic n
 throughout prep
 transmit v
 vision n
 volunteer v
 voucher n



Unit 7

Grammar

☑ کاربرد wish :

جملاتی که بیانگر آرزو و افسوس در زمانهای مختلف باشند، با عبارت I wish به معنی (ای کاش) آغاز می گردند. در ساختار این جملات همیشه فعل جمله یک زمان عقب تر از زمان مفهومی جمله نوشته می شود. مثال:

I **wish** my laptop were a little faster.
Sometimes I **wish** I'd never met her.

توجه: در این جملات معمولاً از were بجای was استفاده می شود. مثال:

I **wish** I **weren't** so tired.

توجه: گاهی از If only بجای wish به مفهوم فوق نیز استفاده می شود. مثال:

If only we didn't have to go today.

توجه: wish یا If only جهت بیان اعتراض به وضع کنونی نیز استفاده می شود.
مثال:

I **wish** he would stop smoking.
If only they wouldn't make a mess.

☑ بیان هدف و نتیجه :

برای بیان هدف، منظور و نتیجه انجام کار می توان از کلمات because, in order that و ... استفاده نمود. مثال:

I scrolled down the page **because** I wanted to read the text.

من نوار اسکرول صفحه را پایین آوردم چون خواستم متن را بخوانم.

I clicked on that icon **in order that** I wanted to save the file.

من روی آن آیکون کلیک نمودم چون خواستم فایل را ذخیره کنم.

گاهی از مصدر افعال (to به همراه حالت اولیه فعل) برای بیان اهداف و نتیجه کار استفاده می شود. مثال:

I scrolled down **to read** the text.

من برای خواندن متن، اسکرول صفحه را پایین آوردم.

I clicked on that icon **to save** the file.

من برای ذخیره فایل روی آن آیکون کلیک کردم.

توجه : در پاسخ کوتاه به پرسشها نیز می توان از حالت فوق استفاده نمود. مثال:

Why did you click on that icon?

► **To save** the file.

☑ کاربرد Relative clause ها :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، ضمایر ربطی یا Relative Pronouns مانند who, what, when, where, that برای اتصال مابین جملات اصلی و جملات تابع بکار می روند. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

Relative clause یا موصول به دو دسته موصول وصفی و غیر وصفی تقسیم می شوند. در موصول وصفی، جمله پیرو جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود. مانند:

I saw the author **who wrote that book**.

در این جمله اگر عبارت **who wrote that book** حذف شود، جمله از نظر مخاطب گویا نخواهد بود.

به مثالهای زیر توجه نمایید:

A dentist is someone **that** takes care of people's teeth.

A watch is a thing **which** shows the time.

A dictionary is a book **that** tells you the meaning of words.

توجه : هنگامیکه ضمایر ربطی بصورت مفعول در جمله نوشته می شوند، حذف آنها، تغییری در مفهوم جمله بوجود نمی آورد. مثال:

The book **that you bought** gives great information about holidays

► The book **you bought** gives great information about holidays.

توجه : زمانیکه ضمایر ربطی بصورت فاعل در جمله نوشته می شود، نمی تواند حذف شود. مثال:

The author **who wrote that book** did a great job.

► ~~The author **wrote that book** did a great job.~~

موصول غیر وصفی به جملاتی گفته می شود که جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود ولی حذف آن تاثیر چندانی در درک مخاطب نخواهد داشت. مثال:

My sister, **who is from Barcelona**, speaks Castellano and Catalan.

Sam, **whose father is a doctor**, is studying French.

Edinburgh, **which is in the east of Scotland**, is a beautiful city.

Edinburgh, **where we spent our holiday**, is a beautiful city.

The accident **happened on Tuesday**, when I was driving home.

توجه: همانطور که می بینید، بکار بردن علامت (,) قبل و بعد از موصول غیر وصفی، ضروری می باشد. همچنین در جمله موصول وصفی که در آن ضمیر ربط بصورت مفعولی در جمله نوشته می شود، می توان ضمیر ربط را حذف نمود. در صورتیکه ضمیر ربط در موصول غیر وصفی قابل حذف شدن نمی باشد.



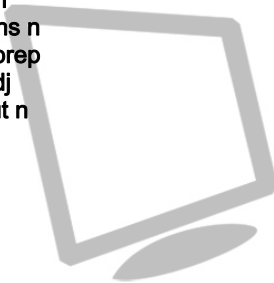
📖 Vocabulary

(to be) fooled adj
 acronym n
 addict n
 administration n
 agricultural adj
 algebra n
 analyst n
 analyze v
 antisocial adj
 appreciate v
 apprenticeship n
 authority n
 autobiography n
 available adj
 bagel n
 bare adj
 biannual adj
 bilingual adj
 bombard v
 brand n
 brochure n
 cab n
 cape n
 capture v
 challenge n
 cloth n
 colonist n
 courage n
 credit n
 data n
 delightful adj
 deliver v
 demand n
 demonstrate v
 depress v
 depressed adj
 desirable adj
 dishonest adj
 download v

leaflet n
 leave a tip v
 leftovers n
 macho adj
 make up your mind idm
 marital adj
 microscopic adj
 misjudge v
 mispronounce v
 misspell v
 mixture n
 monosyllable n
 multitask v
 muscles n
 neighboring adj
 newborn adj
 nutritionist n
 offensive adj
 on the spot adv
 originate v
 overpaid adj
 oversight n
 overworked adj
 pale adj
 penny n
 pirate n
 pitch n
 placed adj
 plastic surgery n
 pop-up n
 porcelain adj
 postgraduate n
 preconceived adj
 precooked adj
 prefix n
 promptness n
 proportion n
 regret v, n
 rename v

dozen n
 drive you crazy/nuts idm
 embarrassed adj
 essay n
 executive n
 exhausting adj
 ex-husband n
 exist v
 expenditure n
 extravagant adj
 fake n
 fame n
 fault n
 flee v
 former adj
 frustrate v
 fulfilling adj
 gel n
 gentle adj
 genuine adj
 get on your nerves idm
 goat n
 gorgeous adj
 guy n
 gym-toned adj
 hillside n
 hooligan n
 hunger n
 impressed adj
 impressionist n
 indoors adv
 ingredient n
 insecurity n
 institute n
 intensely adv
 investment n
 ketchup n

rewind v
 scarce adj
 scared adj
 scary adj
 semifinals n
 senior-level adj
 serrated adj
 skimpy adj
 slang n
 slave n
 spices n
 sponsorship n
 star v
 status n
 subscribe v
 suffix n
 supply n
 tackle n
 take advantage of v
 tan n
 tempting adj
 terrify v
 terrorize v
 Thanksgiving n
 tile n
 tire v
 unbelievable adj
 underpaid adj
 underpayment n
 underworld n
 unintentionally adv
 Vikings n
 waste n
 weapons n
 within prep
 witty adj
 workout n

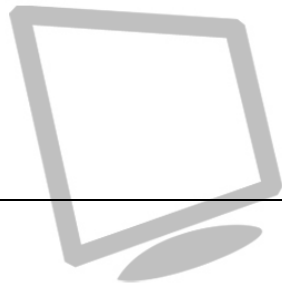


Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Personality adventurous adj ambitious adj arrogant adj as hard as nails idm assertive adj bossy adj cold fish n conscientious adj critical adj easygoing adj eccentric adj forgetful adj heart of gold idm helpful adj immature adj impulsive adj insecure adj insincere adj ironic adj irritable adj loyal adj moody adj open-minded adj optimistic adj pain in the neck n pessimistic adj possessive adj practical adj reliable adj reserved adj responsible adj self-confident adj sensible adj sensitive adj sociable adj stubborn adj vain adj well-balanced adj wise adj</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> Feelings astonished adj confused adj couldn't believe my eyes idm delighted adj desperate adj devastated adj disappointed adj exhausted adj fed up adj feel down idm furious adj glad adj grateful adj homesick adj jump for joy idm lonely adj miserable adj nervous adj offended adj relieved adj scared to death idm shocked adj sick and tired idm stunned adj terrified adj thrilled adj upset adj worn out idm</p> 
---	--

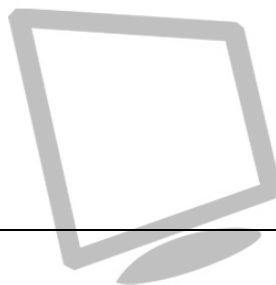
Topic wordlist

<p>☑ Illness and treatment ache v allergic adj antibiotics n asthma n bandage n bleed v blister n bruise n burn v catch a cold v cough n deep cut n diarrhea n dizzy adj drug n earache n ER (the Emergency Room) n faint v feel sick v flu n food poisoning n GP (general practitioner) n headache n heart attack n high blood pressure n hospital n hurt v injection n medicine n needle n operation n pain (in his chest) n painkillers n rash n rest n scan n</p>	<p>sneeze v sore throat n specialist n sprain v stitches n stomachache n stroke n swollen adj temperature n throw up v twist v unconscious adj wound n X-ray n</p>
--	---



Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Clothes and fashion backpack n bathing suit n bow n cardigan n change clothes v checked adj collar n cotton n denim adj dressed to kill idm fit v fits her like a glove idm flattering adj fur adj get dress up v get dressed v get undressed v hang up v hooded adj in your shoes idm keep it under your hat idm leather adj linen adj long- (short-) sleeved adj look (great) on you idm loose adj match v nylon adj old-fashioned adj patterned adj polka-dot adj sandals n scarf n scruffy adj silk adj sleeveless adj slippers n</p>	<p>solid adj spandex adj stockings n striped adj stylish adj suede adj suit n sweater n swimsuit n tight adj trendy adj undershirt n velvet adj V-neck adj wool adj</p>
--	---

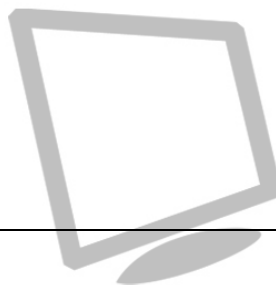


📌 Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Crime and punishment</p> <p>acquit v arrest v assassinate v assassination n blackmail n blackmail v blackmailer n break in v bribe v bribery n burglar n burglarize v burglary n capital punishment n catch (a criminal) v charge v commit v community service n court n death penalty n drug dealer n drug dealing n evidence n fine n forge v forger n forgery n fraud n guilty adj hijack v hijacker n hijacking n investigate v judge n jury n kidnap v kidnapper n kidnapping n life sentence n</p>	<p>manslaughter n mug v mugger n mugging n murder n murder v murderer n not guilty adj prison n proof n punishment n question v rob v robber n robbery n sell drugs v sentence v set off bombs v smuggle v smuggler n smuggling n steal v terrorism n terrorist n theft n thief n vandal n vandalism n vandalize v verdict n witnesses n</p> 
--	--

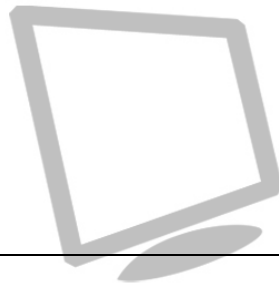
Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Weather below zero adj blizzard n breeze n bright adj changeable adj chilly adj clear adj cool adj damp adj drizzle v drought n flood n fog n freezing adj gale-force adj get soaked v get sunburned v hailstorm n heat wave n heavy adj humid adj hurricane n icy adj lightning n melt v mild adj mist n monsoon n pouring (rain) adj scorching adj shiver v showers n slippery adj smog n stable adj strong adj sunny adj</p>	<p>sweat v thick adj thunder n typhoon n warm adj</p>
--	---



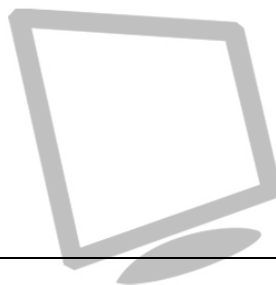
Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> The body ankle n arms n bite v blow v brain n broke his heart idm brush v butterflies in my stomach idm calf (pl calves) n chest n chew v clap v comb v elbow n eyebrows n fold v frown v get cold feet idm get it off my chest idm give me a hand idm hair n hand n head n heart n heel n hip n hold v hug v I can't get sth out of my head idm kidneys n kneel down v learn by heart idm liver n lungs n nails n nod v nose n on the tip of my tongue idm</p>	<p>palm n point v pulling my leg idm put your foot in your mouth idm raise v scratch v shake v shoulders n shrug v stare v stretch v teeth n thigh n waist n wave v wink v wrist n yawn v</p>
---	--



Topic wordlist

<p>☑ Music bass guitar n bass n bassist n beat n catchy adj cellist n cello n choir n composer n conductor n drummer n drums n face the music idm flute n flutist n good ear for music idm incomprehensible adj keyboard n keyboard player n lead singer n monotonous adj moving adj music to my ears idm orchestra n out of tune idm pianist n rapper n saxophone n saxophonist n singer-songwriter n soloist n soprano n tenor n tooting his own horn idm trumpet n trumpeter n tune n violin n violinist n</p>	<p>☑ The media accurate adj advertisement n axed adj back v biased adj cartoon n censored adj classified ads n critic n crossword puzzle n editor n freelance journalist n front page n hit v horoscope n news anchor n objective adj paparazzi n press photographer n probe n quit v quiz v reporter n review n sensational adj spat n sports commentator n weather forecast n wed v</p>
---	---



Topic wordlist

<p>☑ Cities and towns baseball stadium n beggar n bicycle lane n bridge n cable car n cathedral n chapel n concert hall n cosmopolitan adj courthouse n district n downtown n harbor n hill n historic adj homeless people n industrial adj mosque n neighborhood n (the) old town n outskirts n overcrowding n pedestrian mall n polluted adj pollution n poverty n provincial adj run-down adj skyscraper n slums n square n statue n suburbs n subway n synagogue n taxi stand n temple n town hall n traffic jam n</p>	<p>☑ Business and advertising advertisement (or ad) n become the market leader v branch n business n chain n chief executive office (CEO) n client n cold-calling n commercial n company n coworker n customer n do a job v do business (with) v do market research v employee n employer n expand v export v firm n head of the department n headquarters n import v junk mail n launch (a new product) v logo n make a deal (= business agreement) v make a decision v make a profit v make an investment v make money v manager n manufacture v market (a product) v merge (with another company) v multinational adj set up (a company) v slogan n take over (another company) v</p>
--	--

منابع و مراجع

- Clive Oxenden & Christina Latham-Koenig, American English File 4, Oxford University Press 2008
- Mark Hancock & Annie McDonald, English Result Upper-Intermediate, Oxford University Press 2010
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2012
- Alireza Motamed, PersianVi Upper-Intermediate, TahlilGaran 2010

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی تحلیلگران

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات تحلیلگران مراجعه نمایید:
www.TahlilGaran.org